

به نام خدا

تحلیل برسیای اجتماعی در عصر پهلوی

برای کتب رئیس

رضا عبادی جامخانه

نسیم احمدی



انتشارات شیداسب

- سرشناسه : عبادی جامخانه، رضا، ۱۳۵۳ -
- عنوان و نام پدیدآور : تحلیلی بر بیماریهای اجتماعی در عصر پهلوی بر اساس مکتب رئالیسم/رضا عبادی جامخانه، نسیم احمدی.
- مشخصات نشر : تهران: نشر شهیداسب، ۱۳۹۱.
- مشخصات ظاهری : ۷۱ ص.: مصور : ۳۱/۵×۱۲/۴ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰۰۶۵۸۶-۵۶-۴
- وضعیت فهرست نویسی : فبا
- یادداشت : کتابخانه.
- موضوع : نیمابوشیخ، ۱۳۷۴ - ۱۳۳۸، مستعار -- نقد و تفسیر
- موضوع : شهریار، محمدحسین، ۱۳۸۵ - ۱۳۴۷ -- نقد و تفسیر
- موضوع : درویشیان، علی اشرف، ۱۳۲۰ -- نقد و تفسیر
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۳ -- تاریخ و نقد
- موضوع : داستانهای فارسی -- قرن ۱۳ -- تاریخ و نقد
- موضوع : واقع زایی در ادبیات
- موضوع : ایران -- اوضاع اجتماعی -- ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷
- موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۲ - ۱۳۵۷
- شناسه افزوده : احمدی، نسیم، ۱۳۶۰ -
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۱۳۲۳۲/۴۸۱۱۱ PIR
- رده بندی دیویی : ۱/۶۳۰۹۶۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۳۳۰۶۷

انتشارات شهیداسب : میدان نور، خیابان دوست دستگاه، خیابان یازدهم، پلاک ۷، واحد ۵- تلفن : ۴۴۱۱۸۴۱۹



تحلیلی بر بیماریهای اجتماعی در عصر پهلوی بر اساس مکتب رئالیسم
رضا عبادی جامخانه، نسیم احمدی
چاپ: فرسیما
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۶-۵۶-۴
قیمت: ۶۰۰۰ تومان

چکیده

دسته‌ای از متخصصان انسان‌شناسی، انسان را «موجودی فرومایه و پست» نامیده و گروهی از روان‌پزشکان نیز ذهن بشر را «بیمار» اعلام کرده‌اند. بدون تردید وجود بیماری اجتماعی علاوه بر تأثیر گذاشتن روی سیستم اقتصادی یک جامعه، سایر پدیده‌های اجتماعی را نیز متأثر می‌سازد و می‌توان از آن به عنوان یک پدیده مؤثر در فروپاشی ارزش‌های اجتماعی نام برد. در ادبیات معاصر ایران به دلیل تغییر و تحولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ارتباطی شاعران و نویسندگان در خلق آثار ادبی به مسائل و مشکلات موجود مردم توجه می‌کردند که از جمله این نویسندگان، نیما و شهریار در شعر و درویشیان در داستان نویسی می‌باشند و عواملی چون جهل و نادانی، فقر و رنج، بخل، بندگی، طمع، ذلت و استبدادزدگی و بی‌دردی و... را مانع رشد و پیشرفت مردم ایران عصر پهلوی اول و دوم دانسته‌اند که از میان آن‌ها، نیما و درویشیان، بیش از همه بر فقر در اشعار و نوشته‌هایشان تأکید نموده‌اند. در این مقاله «رویکرد رئالیستی بیماری‌های اجتماعی (فقر و رنج و خواری) در سروده‌های نیما و شهریار و داستان‌های

درویشیان» بررسی خواهد شد. بنابر این، اشعار شهریار و نیما و داستان درویشیان با رویکردهای مختلفی قابل بررسی و تحقیق است. از جمله:

- ۱- رویکرد انسانی: انسان والا و ارزشی، انسان‌های پست و حقیر، ساده‌لوح، آزاده و شهری و روستایی و ... ۲- رویکرد اجتماعی: بی‌عدالتی و تبعیض، ظلم و ستم، فقر و محرومیت، امید و ناامیدی، رنج، جهل و ... ۳- رویکرد سیاسی: بیگانگان و نفوذ آنان، استعمار و استثمار و مبارزه و خدشان و استبداد و سیاهی و شکنجه و ... در مقایسه آثار نیما و شهریار با درویشیان می‌توان گفت: شهریار و نیما، وابسته به گروهی سیاسی و حزبی خاصی نیستند و درویشیان در آثارش از عقاید سوسیالیستی در نوشته‌هایش استفاده می‌کند و پیرو نویسندگان رئالیست سوسیالیست روس است. نیما و شهریار در مبارزاتشان به استبداد و تاریکی و استعمار به شکل عام می‌تازند و درویشیان به شیوه خاص، نفوذ بیگانگان (آمریکا و اروپاییان) در ایران را نفی می‌کند. نیما و شهریار در بیان انواع بیماری‌های اجتماعی، مذهب را مورد نکوهش قرار نمی‌دهند؛ بلکه در اشعارشان، هویت‌های مذهبی حضور دارد. درویشیان، اعتقاد چندانی به هویت‌های مذهبی ندارد و در

برخی از جاها، مذهب را به تمسخر می‌گیرد. درویشیان برای
بزرگ‌نمایی محرومیت، آشکارترین نموده‌های فقر- فقر نان - را می‌بینند.
در صورتی که نیما و شهریار به انواع فقر (فقر اجتماعی - فقر
فرهنگی) در اشعارشان اشاره می‌کنند.

واژگان کلیدی: بیماری اجتماعی، رئالیست، اشعار شهریار-
نیما، داستان‌های درویشان.

مقدمه

واژه رئالیسم از رتل (Real) که به معنای «واقع» است، مشتق شده و در واقع به معنای «مکتبی عینی» یا «برونی» (Objectif) است (۱). این مکتب ادبی از اواسط قرن نوزدهم، (۱۸۴۲) در اعتراض به مکتب رمانتیسیم در فرانسه، انگلستان و آمریکا پدید آمد. مکتب رئالیسم، نقطه مقابل مکتب ایده آلیسم است؛ یعنی، مکتبی که وجود جهان خارجی را نفی کرده است و همه چیز را تصورات و خیالات ذهنی می‌داند. رئالیسم؛ یعنی، اصالت واقعیت خارجی. این مکتب به وجود جهان خارج و مستقل از ادراک انسان، قائل است. ایده آلیست‌ها، همه موجودات و آنچه را که در این جهان درک می‌کنیم، تصورات ذهنی و وابسته به ذهن شخص می‌دانند و معتقدند که اگر من که همه چیز را ادراک می‌کنم، نباشم، دیگر نمی‌توانم بگویم که چیزی هست. در حالی که بنابر نظر و عقیده رئالیستی، اگر ما انسان‌ها از بین برویم، باز هم جهان خارج وجود خواهد داشت. به طور کلی یک رئالیست، موجودات جهان خارج را واقعی و دارای وجود مستقل از ذهن خود می‌داند. باید گفت در واقع همه انسان‌ها، رئالیست هستند؛ زیرا همه به

وجود دنیای خارج اعتقاد دارند. حتی ایده آلیست‌ها نیز در زندگی و رفتار، رئالیست هستند؛ زیرا باید جهان خارج را موجود دانست تا بتوان کاری کرد و یا حتی سخنی گفت. کلمه رئالیسم در طول تاریخ به معانی مختلفی غیر از معنایی که گفته شد، استعمال شده است. سبک رئالیسم؛ یعنی، سبک گفتن و نوشتن متکی بر نمودهای واقعی و اجتماعی؛ اما سبک ایده آلیسم، عبارت است از سبک متکی به تخیلات شاعرانه گوینده یا نویسنده رئالیسم، نوعی «واقع‌گرایی» است در رمان و نمایشنامه که خیال‌پردازی و فردگرایی رومانتیسم را از بین می‌برد و به مشاهده واقعیت‌های زندگی و تشخیص درست علل و عوامل و بیان تشریح و تجسم آن‌ها می‌پردازد. هدف حقیقی رئالیسم، تشخیص تأثیر محیط و اجتماع در واقعیت‌های زندگی و تحلیل و شناساندن دقیق «تیپ‌هایی» است که در اجتماع معینی به وجود آمده است سعی نویسندگان رئالیسم در این است که جامعه خود را تشریح کنند و «تیپ‌های» موجود در جامعه را نشان دهند (۲).

از این رو است که کار نویسندگان در این مکتب به کار یک مورخ نزدیک می‌شود، با این تفاوت که عادت و اخلاق مردم اجتماع خویش

را بیان می کند. «بالزاک»، فرانسوی نماینده مکتب رئالیسم نیز به این نکته اشاره می کند و در «کمدی انسانی» می گوید: «با تنظیم سیاهه معایب و فضایل و با ذکر آنچه زائیده هوس ها و عشق هاست و با تحقیق درباره مشخصات اخلاقی و انتخاب حوادث اساسی جامعه و یا تشکیل «تیب ها»، ممکن است به نوشتن تاریخی موفق شود که مورخان از آن، غافل بوده اند؛ یعنی، «تاریخ عادات و اخلاق جامعه». از نمایندگان بزرگ رئالیسم در فرانسه، «بالزاک» و «استاندال» در انگلستان «دیکنز» و در روسیه «تولستوی» و «داستایوسکی» را می توان نام برد. رئالیسم در ادبیات؛ یعنی، ترسیم موثق و معتبر از زندگی، ارتباطی با آرمان پردازی ندارد و اشیا را اگر زیبا نیستند، به زیبایی و اگر زشت نیستند، به زشتی توصیف نمی کند و به خلاق عادات نیز مربوط نمی شود و به زبان ساده، رئالیسم، نگرش رک و راست و نامبهم است (۳). بنابراین رئالیسم را باید پیروزی حقیقت واقع بر تخیل و هیجان شمرد (۴). انسان رئالیست، انسانی است که خودش را از بند اسارت، بی عدالتی و استثمار می رهاوند تا به آزادی واقعی برسد. این انسان، انسانی است که آینده، متعلق به اوست (۵).